

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

راهبرد چین و روسیه در خاورمیانه

حسین فتاحی اردکانی^۱

چکیده

خاورمیانه همواره منطقه‌ای استراتژیک و مورد توجه قدرت‌های بین‌المللی بوده است. در این میان، چین و روسیه به‌عنوان دو قدرت بزرگ جهانی تلاش می‌کنند تا با ایجاد نظم چندقطبی، نفوذ خود را در این منطقه گسترش دهند و هژمونی غرب و آمریکا را به چالش بکشند. بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر با چارچوب نظری بازی و روش تبیینی، راهبردهای این دو کشور در خاورمیانه متفاوت اما مکمل است. چین رویکردی اقتصادی، بلندمدت، عمل‌گرایانه و انعطاف‌پذیر دارد و سعی می‌کند روابط خود را با همه بازیگران منطقه حفظ کند، ضمن اینکه از به چالش کشیدن منافع آمریکا به‌عنوان ضامن ثبات خودداری می‌کند. در مقابل، روسیه رویکرد نظامی و دفاعی دارد که شامل حمایت سیاسی و نظامی از برخی کشورها، فروش کنترل شده تسلیحات، حفظ ثبات منطقه و مقابله با تروریسم است. با وجود تفاوت در راهبردها، منافع مشترکی آنها را به همکاری و تماس‌های دیپلماتیک مکرر در منطقه واداشته است. این تقسیم‌کار راهبردی باعث شده چین و روسیه حضور متعادلی در خاورمیانه داشته باشند و نقش مهمی در تحولات سیاسی و امنیتی آن ایفا کنند.

واژگان کلیدی:

خاورمیانه، چین، روسیه، منافع اقتصادی، منافع نظامی و دفاعی.

درجه مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۷/۱۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱۲/۱۱

^۱. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه اردکان، اردکان، یزد، جمهوری اسلامی ایران.

h-fattahi@ardakan.ac.ir

مقدمه

خاورمیانه یکی از مهم‌ترین مناطق ژئواستراتژیک^۱ جهان است که مزیت‌های ژئوپلیتیک^۲، ژئوکالچر^۳، ژئواکونومیک^۴ و ژئوانرژی^۵ آن برای قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای دارای اهمیت و جذابیت فراوان است. چین و روسیه به‌عنوان دو قدرت بزرگ بین‌المللی همواره در پی تعریف اهداف خود در منطقه و تلاش برای دستیابی به آنها بوده‌اند. روسیه به دلیل نزدیکی جغرافیایی به این منطقه از دیرباز خاورمیانه را به‌عنوان حیات خلوت استراتژیک خود تلقی کرده و در ترتیبات سیاسی، اقتصادی و امنیتی آن حضور فعال داشته است. این روابط مبتنی بر درک متقابل اهداف و راهبردهای منفعت‌محور بین روسیه و کشورهای منطقه بوده که در سال‌های اخیر به واسطه تغییر و تحولات منطقه البته از پیچیدگی‌هایی نیز برخوردار بوده است. هدف روسیه توسعه نفوذ از طریق گسترش همکاری‌های سیاسی، نظامی و امنیتی خود با کشورهای منطقه است تا ضمن حفظ منافع و مطلوبیت‌های راهبردی، جایگاه و وزن ژئوپلیتیک خود در برابر رقبای منطقه‌ای و بین‌المللی را حفظ کند. درگیری روسیه در اوکراین و تغییرات اخیر منطقه موجب کم‌رنگ شدن حضور این کشور به‌خصوص پس از فروپاشی نظام سیاسی سوریه شده است. این مسئله در مقابل، موجب گسترش نفوذ آمریکا و استمرار حضور چین در کشورهای منطقه و توسعه سرمایه‌گذاری‌های سیاسی و اقتصادی این کشور در غیاب روسیه شده است. در واقع، هیچ‌گاه روسیه در خاورمیانه مثل امروز دچار سردرگمی و ضعف راهبردی نبوده است.

از سوی دیگر چین به‌عنوان یک قدرت نوظهور سیاسی و اقتصادی، حضور پررنگی را در خاورمیانه تجربه می‌کند. اگرچه روابط چین با کشورهای خاورمیانه قدمت زیادی دارد، اما این منطقه اخیراً در راهبرد سیاست خارجی پکن اهمیت زیادی پیدا کرده است. با توجه به رشد اقتصادی فوق‌العاده چین، این کشور به منابع انرژی خاورمیانه وابستگی شدید پیدا کرده است. بر همین اساس، تعاملات چین در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی با کشورهای منطقه گسترش پیدا کرده است که نشان می‌دهد خاورمیانه در راهبرد حال حاضر چین به جایگاه ممتازی برای رقابت با دیگر بازیگران همچون روسیه و آمریکا تبدیل شده است. هدف چین از توجه به خاورمیانه علاوه بر تأمین انرژی مورد نیاز خود،

1. geostrategic

2. geopolitics

3. geoculture

4. geoeconomics

5. Geoenergy

تحقق بخشیدن به چشم‌انداز جهان چندقطبی با همکاری کشورهای مثل روسیه و ایران است و در همین راستا بر شعار عدم مداخله در امور داخلی کشورهای منطقه، مشارکت با آنها و برقراری نظم و ثبات از طریق توسعه و شراکت اقتصادی تأکید می‌کند که به‌نوعی در تقابل با گفتمان مداخله‌گرایانه غرب در منطقه قرار دارد. از سوی دیگر، کشورهای منطقه نیز کم‌کم در حال اعتماد به طرح‌های سیاسی و اقتصادی چین هستند و قدرت اقتصادی و نظامی چین را ضامن این اعتماد می‌دانند.

تعامل چین و روسیه در خاورمیانه در خلاء شکل نگرفته است، بلکه در منطقه‌ای با حضور ۱۶ کشور با منافع و اهداف خاص خود در حال وقوع است. هر دو قدرت فرصت‌ها و چالش‌هایی را تجربه می‌کنند که از یک سو مطابق با اولویت‌های آنها است و از سوی دیگر با خواست کشورهای منطقه در همراهی و یا عدم همراهی شکل گرفته است. تعامل کشورهای منطقه با دو قدرت عمدتاً در راستای منافع ملی و ارسال پیام به ایالات متحده به‌عنوان بازیگر برتر در منطقه بوده است و این مسئله نشان می‌دهد که این کشورها نقش تعیین‌کننده‌ای در موفقیت و شکست این قدرت‌ها دارند. می‌توان گفت که چین و روسیه تمرکز خود را بر همکاری با یکدیگر گذاشته‌اند و هدف از این رویکرد مشترک تقابل با یک‌جانبه‌گرایی آمریکا است. آنها به درک مشترکی رسیده‌اند که اگر مسیر تقابل با یکدیگر را انتخاب کنند موجب تضعیف یکدیگر خواهند شد و نمی‌توانند با نفوذ روزافزون آمریکا در منطقه مقابله کنند. این مسئله مشارکت و همگرایی آنها را به سطح استراتژیک سوق داده است. بر همین اساس، حضور دو قدرت در منطقه مبتنی بر همکاری‌های تعریف شده و پرهیز از هر گونه تنش با یکدیگر طراحی شده است. این همکاری ضمن برجسته‌کردن اشتراک نظر آنها در کوتاه نمودن نفوذ منطقه‌ای آمریکا، به توسعه روزافزون طرح‌های مبتنی بر راهبرد اقتصادی چین و حفظ موقعیت راهبرد سیاسی و نظامی و امنیتی روسیه کمک می‌کند.

پیشینه پژوهش. ولی‌زاده و طاهری (۱۴۰۲) در مقال «روابط چین و روسیه در حوزه انرژی: از همکاری ناپایدار تا همکاری راهبردی» معتقدند همکاری روسیه با چین پس از بحران اوکراین در سال ۲۰۱۴ و گرایش سیاست روسیه به شرق افزایش یافته و این همکاری در حوزه انرژی به سطح راهبردی ارتقاء پیدا کرده است. بر این اساس هدف آنها از توسعه تجارت انرژی برقراری نوعی سیاست تعادل در مقابل ایالات متحده و ایجاد یک الگوی مطلوب چندقطبی در جهان است.

گل محمدی و آرم (۱۴۰۲) در مقاله «منطقه‌ای شدن مداخله قدرت‌های بزرگ و سیاست خاورمیانه‌ای روسیه» معتقدند که سیاست و امنیت در خاورمیانه به سمت منطقه‌ای شدن حرکت کرده و براین اساس راهبرد روسیه بیش از آنکه تحت‌تأثیر پویایی‌های غرب باشد از پویایی‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی خاورمیانه تأثیر گرفته و فرصت‌های جدیدی را در برابر سیاست‌مداران عمل‌گرای روسیه گذاشته است.

غفارزاده و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله «دیپلماسی مشارکت راهبردی چین و رویکرد آن به غرب آسیا» معتقدند که چین در سه دهه اخیر از دیپلماسی مشارکتی به عنوان ابزار سیاست خارجی استفاده کرده است. بر این اساس با توجه به اهمیت غرب آسیا، چین بر محورهای انرژی، ابتکار یک کمربند یک راه، سرمایه‌گذاری خارجی، تجارت و فناوری در این منطقه متمرکز گشته است.

غرایاق زندی و عباسی (۱۴۰۰) در مقاله «تحولات راهبردی و سیاست خارجی چین در خاورمیانه در دهه دوم سده بیست و یکم: چرایی و چگونگی» معتقدند که چرایی بازیگری چین در منطقه شامل نیاز این کشور به انرژی، راه ارتباطی خاورمیانه و فناوری‌های پیشرفته غربی رژیم صهیونیستی بوده و چگونگی بازیگری آن هم شامل کمک به ثبات سیاسی منطقه، اعطای کمک‌های انسان‌دوستانه و مبارزه با هراس‌پروری صورت می‌گیرد.

سیمبر و رضایور (۱۳۹۹) در مقاله «واکاوی سیاست‌های ژئوپلیتیکی روسیه در قبال آسیای مرکزی با تأکید بر عامل چین» معتقدند با توجه به کم‌شدن علاقه روسیه به کشورهای منطقه مجدداً در سال‌های اخیر این کشور برای جلوگیری از نفوذ قدرت‌های فرامنطقه‌ای همکاری‌های خود را در چارچوب مسائل امنیتی با کشورهای منطقه گسترش داده است و از سوی دیگر در حوزه اقتصادی و انرژی وارد رقابت سازنده و همکاری محدود با چین شده است.

گیسلی^۱ (۲۰۲۴) در مقاله «روسیه فرصت‌طلب در خاورمیانه، نگاهی از چین» معتقد است که چین و روسیه به یک هماهنگی و تقسیم کار گسترده برای تضعیف آمریکا دست یافته‌اند. از نگاه چین روسیه یک بازیگر فرصت‌طلب است که رفتارهایش تنها تا حدی با منافع چین سازگار است، اما مشکلات مربوط به سیاست خاورمیانه‌ای چین و فشارهای ناشی از رقابت با آمریکا در آسیا توانایی چین در اتخاذ رویکرد قاطعانه‌تری را به‌شدت محدود کرده است.

شیچور^۲ (۲۰۲۴) در مقاله «مثلث سیال؛ تغییر اتحادهای جنگ سرد بین پکن، مسکو و واشنگتن در خاورمیانه» معتقد است که بعد از دوران جنگ سرد نگاه و رفتار چین در

^۱. Ghiselli

^۲. Shichor

سیاست خارجی و محیط بین‌المللی تغییر کرده است. رهبری جدید چین آماده بهبود و گسترش روابط خود با همه کشورها از جمله دشمنان سابق و همچنین آمریکا و روسیه است، زیرا از نگاه چین شرق و غرب آسیا به یکدیگر مرتبط و حتی وابسته هستند.

لاریش و سوپودا^۱ (۲۰۲۴) در مقاله «تفویض اختیارات دولت اقتصادی به شرکت‌های خصوصی: روسیه، چین و ترکیه در آفریقا» معتقدند که امروزه در ادبیات هنر حکومت اقتصادی، کشورها برای دستیابی به اهداف استراتژیک اختیارات اقتصادی خود را به شرکت‌های خصوصی تفویض می‌کنند. در واقع این کشورها از ابزار اقتصاد برای دستیابی به اهداف استراتژیک استفاده می‌کنند. بر همین اساس کشورهای روسیه، چین و ترکیه به دنبال تأمین اهداف استراتژیک همین موضوع را در آفریقا دنبال کرده‌اند.

بنزاتا^۲ (۲۰۲۴) در مقاله «پیامدهای ژئوپلیتیکی روابط چین روسیه در داخل سیستم بین‌المللی چند قطبی» معتقد است که چین و روسیه به‌عنوان دو قدرت بزرگ در حال گسترش نفوذ خود در جهان چندقطبی پیش رو هستند و از این طریق هژمونی غرب را در مناطق به چالش می‌کشند. در نتیجه ظهور ترکیبی آنها موجب توزیع مجدد قدرت جهانی شده و ایالات متحده و غرب را وادار می‌کند تا در رابطه خود تجدیدنظر کنند و این امر ناگزیر به ایجاد ثبات در سیستم بین‌المللی چندقطبی می‌شود.

دوبین^۳ (۲۰۲۴) در مقاله «چگونه نهادسازی به همسویی قدرت‌های بزرگ شکل می‌دهد: چشم‌انداز نهادی در مورد مشارکت چین و روسیه» معتقد است که یکی از عوامل رشد روابط چین و روسیه توسعه پیوندهای نهادی بین دو دولت بوده است. این مؤسسات کمک کرده‌اند تا بین تصمیم‌گیرندگان و ذی‌نفعان روابط منظمی را برای انتخاب اهداف، سیاست و نگرانی‌های دو کشور فراهم کنند.

با توجه به ادبیات موجود، پژوهش حاضر اولاً از حیث بررسی جامع روابط دو کشور در خاورمیانه و همچنین تأکید بر جنبه‌های راهبردی مشارکت و رقابت آنها دارای نوآوری است. دوم این که استخدام چارچوب نظری مبتنی بر ترکیب نظریه بازی در تبیین سیاست خارجی در این مقاله می‌تواند افق جدیدی را برای ارزیابی رقابت استراتژیک دو قدرت به نمایش بگذارد. سوم این که به چالش‌ها و محدودیت‌های مشارکت چین و روسیه که خلأ پژوهشی آن در کارهای انجام شده مشاهده می‌شود اشاره شده است. چهارم، تحولات اخیر

^۱. Laryš & Svoboda

^۲. Benzatat

^۳. Düben

خاورمیانه و تنش‌های ایجاد شده در روابط روسیه و اوکراین، آذربایجان و ارمنستان و ایران و رژیم صهیونیستی بررسی این موضوع را برای درک تغییر و تحولات تازه ضروری نموده است. **روش پژوهش.** این پژوهش از نظر نوع کاربردی و از نظر روش کیفی و به شیوه توصیفی و تحلیلی سامان یافته است. برای گردآوری اطلاعات نیز از روش کتابخانه‌ای و اسنادی و با مراجعه به کتب، مقالات و دستاوردهای پژوهشی معتبر پیرامون موضوع مراجعه و استفاده شده است.

چارچوب نظری: نظریه بازی^۱. نظریه بازی یکی از رایج‌ترین نظریه‌های کاربردی عرصه روابط بین‌الملل است که بر پایه انتخاب‌های عقلانی استوار است. بر اساس این نظریه انتخاب‌های بازیگران در عرصه سیاست بین‌الملل و به‌خصوص در وضعیت‌ها و موقعیت‌های راهبردی و استراتژیک به نوع انتخاب‌های دیگر بازیگران رقیب بستگی دارد. در واقع هدف نهایی این روش یافتن راهبردی بهینه برای دستیابی به اهداف و مطلوبیت‌ها است. اصل این نظریه به‌عنوان ابزاری که برای تجزیه و تحلیل تعاملات استراتژیک بین تصمیم‌گیرندگان استفاده می‌شود، در ریاضیات مطرح شد (Bossaerts & Murawski, 2017; Pandey & Chermack, 2008; Nie & Yang, 2023). وجود مفاهیمی مانند استراتژی، بازده، تعادل، همکاری و تضاد به ما در تبیین راهبرد رقابت استراتژیک چین و روسیه در خاورمیانه کمک می‌کند. همچنین در درک تأثیرات همگرایی بر روابط روسیه با خاورمیانه و توازن قوا در این منطقه نقش داشته باشد (Ho et al, 1998: 229-243). یکی از مهمترین مفاهیم این نظریه توزیع سود و هزینه‌های جمعی به‌عنوان یک سؤال اصلی برای سازمان‌هایی است که در شرایط عدم اطمینان به همکاری فکر می‌کنند. گنجاندن وضعیت عدم قطعیت در این نظریه چارچوبی قدرتمند برای مدیریت سناریوهای پیچیده در دنیای واقعی ارائه می‌دهد که در آن نتایج دقیق به سختی حاصل می‌شوند (Özcan et al, 2024: 2). این نظریه را می‌توان برای مدل‌سازی و نشان دادن نوع تعامل میان دو بازیگر مستقل در محیط منطقه‌ای استفاده کرد. مؤلفه‌های اصلی این نظریه عبارتند از: ۱- بازیکنانی که درگیر بازی هستند. ۲- اقدامات شناخته شده و ناشناخته بازیکنان. ۳- بازدهی هر بازیکن در بازی بر اساس اقداماتش. ۴- راهبردها و برنامه حرکت هر بازیکن و تلاش آنها برای برنده شدن در بازی (Liang & Xiao, 2012).

بر اساس راهبرد بازیکنان و نوع انگیزه آنها، انواع مختلفی از بازی وجود دارد. برای مثال، بازی‌ها را می‌توان به‌عنوان بازی‌های اطلاعاتی کامل یا ناقص بسته به دانش بازیکنان از بازده یکدیگر متمایز کرد. در بازی‌های ناقص عدم اطمینان در مورد بازده مورد انتظار وجود دارد و

^۱. Game theory

بنابراین بازیکنان اطلاعات کاملی ندارند (Leyton-Brown & Shoham, 2022). علاوه بر این، بازی‌ها می‌توانند ایستا یا پویا باشند که در آن بازی‌های پویا بر اساس چندین حرکت انجام شده توسط بازیکن است و بازی‌های ایستا فقط شامل یک حرکت انجام شده توسط هر بازیکن است که بازی را به پایان می‌رساند (Welzel et al, 2024: 3). علاوه بر این، بازیکنان می‌توانند راهبردهای مختلفی را اتخاذ کنند. یک راهبرد خالص به معنای انتخاب یکی از اقدامات در دسترس بازیکن است. یک راهبرد مختلط راهبرد خالص را با تقسیم احتمال گسترش می‌دهد. این نشان‌دهنده عدم اطمینان یک بازیکن نسبت به بازیکن دیگر در واکنش به حرکت خود است و بنابراین شامل تلاش بیشتری می‌شود (Fang et al, 2021). در نهایت بهترین راهبرد، راهبردی است که بالاترین بازدهی را برمی‌گرداند که با تعادل در بازده و راهبرد بازیکنان مشخص می‌شود (Liang & Xiao, 2012). همچنین یکی از مهم‌ترین مفاهیم این نظریه «تعادل نش»^۱ است. تعادل نش مجموعه‌ای از استراتژی‌ها در یک بازی دو یا چندنفره است که برای هر بازیکن یکی است، به طوری که هیچ بازیکنی انگیزه‌ای برای تغییر یک طرفه اقدام خود نداشته باشد. در این وضعیت بازیکنان در حالت تعادل هستند، چون تغییر استراتژی توسط هر یک از آنها باعث می‌شود که بازیکن در وضعیت بدتری نسبت به استراتژی فعلی خود قرار بگیرد (Nash, 1950).

چین و روسیه بر اساس نظریه بازی می‌توانند در خاورمیانه بازی مبتنی بر همکاری و تعادل و یا تعارض و تنش را انتخاب کنند. همکاری متعادل آنها برایشان پاداش و درگیری و تنش آنها برایشان جریمه در پی خواهد داشت. هر کدام از آنها مطلوبیت‌های سیاسی، اقتصادی، دیپلماتیک، نظامی و امنیتی دارند که برای دستیابی به آن تلاش می‌کنند. اما هدف اصلی و مشترک آنها مقابله با نفوذ فزاینده و به چالش کشیدن هژمونی آمریکا در منطقه است. در این بازی آنها دارای منافع مشترکی هم هستند که برای آن تلاش می‌کنند. البته بسته به شرایط متغیر منطقه‌ای و بین‌المللی ممکن است هر دو قدرت رفتار خود را برای دستیابی به اهداف و مطلوبیت‌ها تغییر دهند (Ho et al, 1998: 229-243), (Dawkins et al., 2003: 11). مثلاً «بازی معمای زندانی» یک بازی سنتی است که نشان می‌دهد چگونه عوامل منطقی، حتی زمانی که منفعتی در کار باشد همکاری شکل نمی‌گیرد. در این بازی دو مظنون به یک جنایت به طور جداگانه دستگیر و بازجویی می‌شوند که هر یک می‌توانند اعتراف یا سکوت کنند (Ho et al, 1998: 231).

¹. Nash equilibrium

جدول شماره ۱. بازی اعتراف و سکوت

		بازیکن دوم	
		سکوت	اعتراف
بازیکن اول	سکوت	(-1, -1)	(-3, 0)
	اعتراف	(0, -3)	(-1.5, -1.5)

منبع: افراسیابان و دهقانی فیروزآبادی، ۱۴۰۴

در این بازی اعتراف یا سکوت هر بازیکن جریمه‌های متفاوتی را برایشان در پی خواهد داشت. در واقع این بازی نشان می‌دهد که در برخورد با دیگری اتخاذ استراتژی درست و مناسب می‌تواند به بهبود روابط و حل مشکلات کمک کند. در اینجا تعادل نش جایی است که هر دو بازیکن اعتراف می‌کنند و هیچ‌کدام از آنها نتوانند با تغییر دادن استراتژی خود سود را به طور یک‌جانبه برای خود بردارند. هر چند نتیجه برای هیچ‌کدام مطلوب نیست، پس سکوت برای آنها بهتر است (افراسیابان و دهقانی فیروزآبادی، ۱۴۰۴: ۹۶-۹۵).

مثال دیگر، «بازی همکاری» است که نشان می‌دهد چگونه دو بازیکن با اتخاذ راهبردهای مبتنی بر همکاری می‌توانند سود را نصیب خود کنند (Osborne & Rubinstein, 1994: 173).

جدول شماره ۲. بازی همکاری.

		بازیکن دوم	
		راست	چپ
بازیکن اول	راست	(2, 2)	(0, 0)
	چپ	(0, 0)	(2, 2)

منبع: افراسیابان و دهقانی فیروزآبادی، ۱۴۰۴: ۹۶

در این بازی، دو بازیکن باید بین دو عمل مثل رانندگی در سمت چپ یا راست جاده یکی را انتخاب کنند که تصمیم مشابه آنها موجب بازدهی بالا و تصمیم متفاوت آنها بازدهی کمتری را در پی دارد. در اینجا تعادل نش جایی است که هر دو چپ یا راست را انتخاب می‌کنند (افراسیابان و دهقانی فیروزآبادی، ۱۴۰۴: ۹۶).

مثال دیگر «بازی کبوتر شاهین» است که چگونگی امکان ایجاد درگیری و بحران بین کشورها را نشان می‌دهد. در این بازی هر کدام از بازیکنان ماشین‌های خود را در مسیر مقابل که منجر به برخورد می‌شود می‌رانند و هر کدام می‌توانند مستقیم برانند یا منحرف شوند. اگر هر دو مستقیم برانند سود بسیار کم و اگر هر دو منحرف شوند سود متوسطی را دریافت خواهند نمود. اگر یکی منحرف شود و دیگری در مسیر بماند، منحرف شونده بازده کم و طرف مقابل بازده زیادی دریافت کرده و برنده محسوب می‌شود؛ بنابراین تعادل نش در این بازی جایی است که یک بازیکن منحرف می‌شود و دیگری در مسیر می‌ماند (Rapoport & Chammah, 1966:9).

جدول شماره ۳. بازی کبوتر شاهین.

		بازیکن دوم	
		منحرف شونده	مستقیم رونده
بازیکن اول	منحرف شونده	(0, 0)	(-1, +1)
	مستقیم رونده	(+1, -1)	(-3, -3)

منبع: افراسیابان و دهقانی فیروزآبادی، ۱۴۰۴: ۹۸

۱. راهبرد چین در خاورمیانه

همکاری‌های اقتصادی و انرژی: فعالیت‌های چین در خاورمیانه در زمان رئیس‌جمهور شی جین پینگ تجاری محور و عمل‌گرایانه بوده است. شی ابتکار کمربند و جاده (BRI) را در سال ۲۰۱۳ برای بهبود اتصال بین ایالتی و ایجاد مسیرهای تجاری جدید راه‌اندازی کرد و موقعیت چین را به‌عنوان یک مرکز تجاری مرکزی تثبیت نمود (Afterman, 2021). اکثر کشورهای خاورمیانه در این ابتکار دخیل هستند و تحقیقات نشان می‌دهد که این موضوع موفقیت نسبی را در مقایسه با دیگر زمینه‌ها به دست آورده است. ۲۰۲ مورد از این سرمایه‌گذاری‌ها بخشی از جاده ابریشم دیجیتال چین (DSR) هستند که بخشی جدایی‌ناپذیر از این ابتکار باهدف بهبود اتصالات فناوری با توسعه زیرساخت‌های دیجیتال حیاتی است (Afterman & Urhová, 2024: 135). از سوی دیگر چین بزرگ‌ترین شریک تجاری یا سرمایه‌گذار خارجی در منطقه است که در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۶ از آمریکا سبقت گرفته است، به طوری که حجم این سرمایه‌گذاری‌ها در سال ۲۰۲۱ به رقم خیره‌کننده

۳۳۰ میلیارد دلار رسیده که با کشورهای امارات، عراق، کویت، قطر، عمان و بحرین بوده است (Interesse, 2022). روابط اقتصادی این کشور با ایران نیز پس از گسترش تحریم‌های غرب بر علیه ایران افزایش یافته، به طوری که افزایش صادرات چین به ایران و دریافت انرژی در مرکز این مبادلات قرار دارد که با امضای قرارداد راهبردی ۲۵ ساله در سال ۲۰۲۱ بین دو کشور در حال گسترش به دیگر حوزه‌ها نیز است (Forough, 2021). از سوی دیگر ضرورت چین برای امنیت انرژی نشان‌دهنده منافع مشترک این کشور در خاورمیانه است، جایی که این کشور به دلیل حجم قابل توجهی از واردات نفت، به بزرگ‌ترین شریک تجاری بسیاری از کشورهای منطقه تبدیل شده است (Wu, 2023).

تعاملات دیپلماتیک: در قرن بیست و یکم، سیاست خارجی چین با تلاشی هماهنگ برای ایجاد مشارکت‌های جهانی و گسترش منافع با سایر کشورها، با استفاده از این روابط به عنوان ابزار ژئوپلیتیکی برای اعمال قدرت و نفوذ مشخص شده است. ماهیت این مشارکت‌ها در تعهد مشترک به مدیریت درگیری‌های اجتناب‌ناپذیر است که به کشورهای درگیر اجازه می‌دهد تا به همکاری در زمینه‌های حیاتی مورد علاقه متقابل ادامه دهند (Goldstein, 2005; Qian & Fulton, 2017). در سال‌های اخیر تعاملات منطقه‌ای چین فراتر از حوزه اقتصادی گسترش یافته است. این تقویت روابط نشان‌دهنده اهمیت روزافزون خاورمیانه در فرصت‌طلبی‌های سیاسی و استراتژیک چین است (Lons, 2019). کشورهای منطقه از تعامل بیشتر با چین استفاده کرده‌اند تا به ایالات متحده نشان دهند که گزینه‌های دیگری نیز دارند. این یک استراتژی پوششی است که توسط این دولت‌ها به کار گرفته می‌شود تا اطمینان حاصل شود که آنها بدون شرکای جایگزین نیستند و قدرت روبه‌رشد را نادیده نمی‌گیرند (Alterman, 2017). مشارکت‌های چین با کشورهای خاورمیانه معمولاً در سه دسته اصلی قرار دارد: مشارکت‌های راهبردی جامع (مانند مصر، عربستان سعودی، ایران و امارات)، مشارکت‌های استراتژیک (از جمله ترکیه، اردن، قطر، عراق، عمان و کویت) و مشارکت‌های جامع نوآورانه (مانند مشارکت با رژیم صهیونیستی) (Chaziza, 2024: 8). چین برای حفظ منافع راهبردی خود به دنبال ثبات منطقه و رفع درگیری‌ها است. به همین دلیل به عنوان میانجی بین ایران و عربستان نقش تأثیرگذاری را از خود نشان داد که موجب نزدیکی این دو کشور به یکدیگر شد. روابط قوی چین با هر دو طرف، ضمن نشان دادن برتری دیپلماتیک این کشور نسبت به ایالات متحده در میانجیگری، چین را به عنوان یک میانجی قابل اعتماد نشان داد (John, 2023). از بسیاری جهات، رابطه بین چین و کشورهای

خاورمیانه و شمال آفریقا به منزله تلاشی برای محافظت از رقابت‌های خود در برابر برتری ایالات متحده است. پکن از طریق قاطعیت استراتژیک و انعطاف‌پذیری در سیاست‌ها نشان داده که یک قدرت جهانی قابل احترام است که می‌تواند تعادل استراتژیک خود را با اروپا، روسیه و ایالات متحده در خاورمیانه و عرصه‌های جهانی حفظ کند (Sun, 2019: 18).

هم‌سویی سیاسی: چین از نظم چندقطبی به‌جای تک‌قطبی در خاورمیانه حمایت می‌کند. این کشور به دنبال گسترش نفوذ سیاسی خود در برابر سایر قدرت‌های بزرگ از طریق میانجیگری در مناقشات در سراسر منطقه، به‌ویژه جنگ سوریه و اختلاف‌نظرهای پیرامون توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ ایران بوده است (Sun, 2019: 18). چین همچنین قصد دارد از حمایت کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا برای سیاست خود در قبال اوینغورها حمایت کند. در ژوئیه ۲۰۱۹، ۳۷ کشور (از جمله کشورهای خاورمیانه) نامه‌ای را به شورای حقوق بشر سازمان ملل ارسال کردند و روایت رسمی دولت چین را پذیرفتند و تنها قطر یک ماه بعد امضای خود را پس گرفت (Siddi & Kaczmariski, 2019: 6).

علمی و فناوری: خاورمیانه نقش برجسته‌ای در DSR چین ایفا می‌کند که بر اساس آن شرکت‌های فناوری و فناوری چینی کشورهای منطقه را با قراردادهای شبکه G5 ایمن کرده‌اند. چین از طریق DSR به دنبال تثبیت خود به‌عنوان یک ابرقدرت تکنولوژیک جهانی با پیامدهای اقتصادی، امنیتی و ژئوپلیتیکی قابل توجه برای خاورمیانه و فراتر از آن است. در حالی که چین به دنبال گسترش نقش خود به‌عنوان یک قدرت با فناوری پیشرفته و استفاده از داده‌ها برای ایجاد تحول و توسعه اقتصادی است، کشورهای خاورمیانه به‌طور فزاینده‌ای به دنبال دیجیتالی کردن و تنوع‌بخشیدن به اقتصاد خود هستند (Eslami & Papageorgiou, 2023). این موضوع روشن می‌کند که چرا دولت‌ها و شرکت‌های خاورمیانه همچنان به مشارکت نهادهای چینی برای پروژه‌های مختلف، از جمله ساخت شبکه‌های G5، شهرهای هوشمند، و فناوری مراقبت، علی‌رغم هشدارهای ایالات متحده ادامه می‌دهند (Calabrese, 2022).

در خاورمیانه، شرکت‌های فناوری چینی در توسعه و اجرای پروژه‌های زیرساختی با فناوری پیشرفته، از مخابرات و شبکه‌های G5 گرفته تا مراکز داده، فین‌تک، سیستم‌های اطلاعات امنیتی، شهرهای هوشمند و کابل‌های فیبر نوری زیردریایی و زمینی، رهبری را بر عهده گرفته‌اند (Blaubach, 2021). با نگاهی به آینده، چین قصد دارد رد پای دیجیتال خود را در خاورمیانه از طریق ابتکارات فناوری پیشرفته و نه پروژه‌های صنعتی سنتی گسترش

دهد. ابتکاراتی مانند دبی هوشمند ۲۰۲۱ و برنامه تحول ملی عربستان سعودی ۲۰۳۰ (Altin, 2022). از سوی دیگر، رژیم رژیم صهیونیستی به دلیل نزدیکی به آمریکا و برخورداری از تکنولوژی‌های پیشرفته و به‌روز نقش مهمی در برنامه علمی و فناوری چین دارد و چین سعی می‌کند با همکاری و روابط نزدیک با این رژیم فناوری بومی خود را توسعه دهد. براین اساس، چین همکاری‌های گسترده‌ای را با رژیم صهیونیستی در این حوزه شروع کرده است. آمریکایی‌ها با نگرانی به این روابط نگاه می‌کنند به‌طوری‌که کوین مک‌کارتی رئیس مجلس نمایندگان آمریکا معتقد است چین در حال دزدیدن فناوری رژیم صهیونیستی است (McCarthy, 2023). موضع‌گیری چین در شورای امنیت سازمان ملل در همسویی با اعراب و محکومیت تجاوزگری رژیم رژیم صهیونیستی این موضوع را ثابت کرد و نشان داد که رژیم رژیم صهیونیستی در محاسبات راهبردی چین جایگاه بالایی ندارد و آسیب به روابطش با این رژیم در چارچوب راهبرد منطقه‌ای و ژئوپلیتیک گسترده آن قابل مدیریت است (Afterman & Urhová, 2024: 144).

نظامی و دفاعی: در بخش دفاعی فعالیت‌های چین در منطقه خاورمیانه رو به گسترش بوده است. امارات هواپیماهای بدون سرنشین چینی را در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۸ پس از اینکه ایالات متحده از فروش جدیدترین پهپادهای تسلیحاتی خود به دلیل تأثیر جنگ در یمن خودداری کرد خریداری کرد (Afterman & Urhová, 2024: 139). عربستان سعودی نیز به دنبال راه‌هایی برای تنوع بخشیدن به همکاری‌های امنیتی و خرید تسلیحات است. به گفته منابع چینی، پس از نمایشگاه هوایی ژوهای در نوامبر ۲۰۲۲، عربستان سعودی ۴ میلیارد دلار برای خرید تسلیحات از چین هزینه کرد که به طور قابل توجهی بیشتر از سال‌های گذشته است (Xie, 2022). گسترش روابط اقتصادی چین این کشور را ناگزیر از همکاری‌های امنیتی نموده است. در همین راستا، نیروی دریایی ارتش آزادیبخش خلق (PLAN) بازدید از بنادر در شبه جزیره عربستان را به عنوان بخشی از ماموریت بین‌المللی ضد دزدی دریایی در خلیج عدن آغاز کرد و به افسران نیروی دریایی چین فرصت داد تا روابط خود را با هم‌تایان عرب خود توسعه دهند. چین همچنین از سال ۲۰۰۶ نیروهای حافظ صلح سازمان ملل را به لبنان کمک کرده است (Fulton, 2019: 14).

چین سعی می‌کند تا با تکیه بر اهرم اقتصادی و توسعه نفوذ سیاسی و دیپلماتیک حرکت آرام خودش را بدون هر گونه تنش با قدرتهای موجود در منطقه به‌خصوص آمریکا و روسیه ادامه دهد. از این منظر چین یک استراتژی رقابتی تعادلی را با روسیه در پیش گرفته است که تا

حد امکان هیچ برخوردی با یکدیگر ندارند. خصوصاً اینکه چین سعی می‌کند در حوزه‌های نظامی و امنیتی که روسیه دارای حضور سنتی است وارد نشده و این کشور را تحریک نکند.

۲. راهبرد روسیه در خاورمیانه

نظامی و دفاعی: روسیه از سمت مرزهای جنوبی خود با خاورمیانه همسایه است و این مسئله تأمین امنیت منطقه را برای این کشور حیاتی کرده است. مبارزه با تروریسم و جلوگیری از گسترش تسلیحات هسته‌ای از جمله سیاست‌های اعلامی این کشور در منطقه خاورمیانه است. روسیه روابط نظامی و دفاعی خود را با کشورهای خاورمیانه توسعه داده که شامل فروش تسلیحات نظامی، انعقاد قراردادهای دفاعی و برگزاری مانورهای نظامی مشترک است (Widian et al, 2018). همکاری در امور امنیتی و دفاعی، از جمله فروش تسلیحات و آموزش نظامی، می‌تواند حیاتی باشد. کشورهای خاورمیانه به دنبال حمایت روسیه از نظر امنیت ملی و دفاعی هستند و این مسئله برای کمک به کشورهای خاورمیانه در مبارزه با تروریسم مهم است (Gihoni et al, 2024: 14). مصر، عراق و سوریه از مهم‌ترین دریافت‌کنندگان سلاح‌های روسی هستند. در طول دهه ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۸، تقریباً ۳۵ درصد از کل فروش تسلیحات روسیه به منطقه به مصر رفت که در مجموع ۵۴ درصد از کل فروش روسیه به مصر بود. در سال ۲۰۱۷، این رقم تقریباً ۸۷ درصد بود. فروش روسیه به مصر که مشتری قدیمی ایالات متحده بود، منعکس‌کننده این واقعیت است که روسیه توانست از فرصت توقف صادرات سلاح توسط آمریکایی‌ها به این کشور به دلیل نگرانی‌های حقوق بشری در این کشور پس از کودتای اخوان المسلمین، از فرصت استفاده کند و به عنوان یک فروشنده جایگزین وارد عمل شود (Dorell, 2014). تقویت دیدارهای فرماندهان نظامی از کشورهای منطقه و همچنین برگزاری رزمایش‌های نظامی دریایی با مشارکت کشورهای ترکیه، مصر و ایران در راستای افزایش نفوذ امنیتی روسیه در منطقه قابل ارزیابی است.

تعاملات دیپلماتیک: به‌طور کلی روسیه به دنبال نشان دادن خود به‌عنوان یک قدرت مؤثر جهانی و منطقه است تا از این طریق شهرت و جایگاه خود را ارتقاء دهد. روسیه در تلاش‌های دیپلماتیک در خاورمیانه، به ویژه در رابطه با درگیری‌هایی مانند جنگ داخلی سوریه، نقش ایفا کرده است. در این راستا، روسیه با بازیگران منطقه‌ای مختلف، از جمله مشارکت در فرآیندهای صلح و مذاکرات، وارد گفتگو شده است (Mubarok, 2020). همچنین، روسیه ممکن است در تلاش برای حل مناقشات منطقه‌ای در خاورمیانه مشارکت داشته

باشد. روسیه از طریق میانجیگری یا مشارکت مستقیم می‌تواند روابط خود را با کشورهای منطقه تقویت کند (Stepanova, 2018). همان‌طور که از تنوع این بازدیدهای رهبران سیاسی مشاهده می‌شود، دیپلماسی منطقه‌ای مسکو به دنبال ایجاد تعادل بین دولت‌ها در تقابل با یکدیگر است. به‌عنوان مثال، علی‌رغم اینکه اورشلیم و تهران در تقابل با یکدیگر با برنامه‌های رقابتی قرار دارند، روسیه روابط خود را با رژیم صهیونیستی تعمیق کرده و درعین حال همکاری با ایران را که یک شریک دیرینه است تقویت کرده است (Wasser et al, 2022: 51). علاوه بر این، مسکو نه تنها توانسته است روابط خود را با شرکای سنتی منطقه‌ای مانند سوریه و ایران بهبود بخشد، بلکه با کشورهایی مانند مصر، لیبی و عراق که قبلاً نفوذش در آنها قوی بود، اما پس از آن کاهش یافته بود، روابط را بازسازی کرد (Kozhanov, 2017: 105).

همکاری‌های اقتصادی و انرژی: مسکو به دنبال تقویت اقتصاد خود از طریق تجارت و سرمایه‌گذاری جهانی، از جمله با دولت‌ها و شرکت‌های تجاری در خاورمیانه، و از طریق بازار انرژی است که شامل چندین کشور تولیدکننده نفت خلیج فارس می‌شود (Oliker et al, 2009: 113-114). فعالیت‌های روسیه در حوزه روابط اقتصادی، از جمله همکاری در منابع انرژی، قابل توجه بوده است. روسیه به‌عنوان یک تولیدکننده بزرگ انرژی، با کشورهای خاورمیانه در پروژه‌های انرژی از جمله قراردادهای نفت و گاز همکاری کرده است. هدف این همکاری اقتصادی تقویت روابط اقتصادی بین روسیه و خاورمیانه است (Sinatrya & Yuniasih, 2018).

علاوه بر روابط تجاری روبه‌رشد خود با مصر و روابط قوی با ترکیه، روسیه یک گام دیگر برای افزایش روابط تجاری خود با منطقه برداشته است. روسیه کشور پیشرو در اتحادیه اقتصادی اوراسیا است، یک منطقه اقتصادی با الگوبرداری از اتحادیه اروپا و متشکل از ارمنستان، بلاروس، قزاقستان و جمهوری قرقیزستان در سال ۲۰۱۸، اتحادیه اقتصادی اوراسیا قرارداد تجاری ترجیحی متقابلی را با ایران امضا کرد که اولین توافق‌نامه آن در خارج از قلمرو اتحاد جماهیر شوروی سابق بود. این توافق‌نامه در ۲۷ اکتبر ۲۰۱۹ لازم‌الاجرا شد. این یکی از ۱۱ قرارداد تجاری متقابلی است که روسیه امضا کرده است. همچنین، روسیه نقش مهمی در سیاست انرژی خاورمیانه ایفا می‌کند، هم از طریق همکاری با اوپک برای تعیین قیمت نفت و هم از طریق سرمایه‌گذاری در اکتشاف و تولید در منطقه. شرکت‌های انرژی روسیه بیشترین فعالیت را در عراق دارند، جایی که گازپروم نفت در حال توسعه سه

میدان گازی بزرگ و لوک اوایل در حال توسعه میدان‌های قرنا-^۱ غربی و اریدو^۲ هستند (Wasser et al, 2022: 58).

همسویی سیاسی: روسیه از نظر منافع سیاسی خود را با برخی از کشورهای خاورمیانه همسو کرده است. به‌عنوان نمونه، حمایت روسیه از دولت سوریه و مشارکت آن در سیاست‌های منطقه‌ای، از جمله روابط با کشورهایمانند ایران، نشان‌دهنده منافع استراتژیک این کشور در منطقه است (Fatmawati, 2020). روسیه می‌تواند از دولت‌ها یا گروه‌هایی در خاورمیانه که با منافع روسیه همسو هستند حمایت سیاسی کند. این می‌تواند شامل حمایت در درگیری‌های منطقه‌ای یا حمایت سیاسی از رژیم‌های خاص باشد (Freedman, 2001).

همکاری در مبارزه با تروریسم: موضوع مبارزه با تروریسم زمینه مشترک همکاری روسیه با کشورهای منطقه بوده است. روسیه به دنبال همکاری با کشورهای خاورمیانه برای رسیدگی به نگرانی‌های امنیتی مشترک از جمله مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی بوده است (PUTRI, 2022).

انرژی هسته‌ای: از دهه ۱۹۵۰، قدرت‌های جهانی به دنبال صادرات انرژی هسته‌ای برای برخورداری از مزایای استراتژیک آن و توسعه درجاتی از نفوذ سیاسی در دیگر کشورها هستند. توجه به این مزایای استراتژیک، برای درک پویایی رقابت انرژی و نقش رو به رشد مسکو در خاورمیانه مهم تلقی می‌شود. تجارت هسته‌ای نه تنها مستلزم یک تلاش چند ساله برای ساخت راکتور است، بلکه یک رابطه مستمر بین کشور تامین‌کننده و کشور دریافت‌کننده در رابطه با تامین سوخت و تعمیر و نگهداری راکتور را شامل می‌شود. به این ترتیب، تجارت هسته‌ای در خدمت ایجاد یا حفظ روابط دیپلماتیک، تجاری و نهادی است (Bahgat, 77: 2021). روسیه با برخی از کشورهای خاورمیانه درگیر بحث‌ها و توافقات مربوط به انرژی هسته‌ای شده است. این موضوع شامل ساخت نیروگاه‌های هسته‌ای و توسعه زیرساخت‌های انرژی هسته‌ای است (Haryanda, 2018). راکتور اتمی بوشهر در ایران که روسیه در سال ۱۹۹۵ با تکمیل آن موافقت کرد، در سال ۲۰۱۲ به طور کامل به بهره‌برداری رسید. روسیه اکنون در حال ساخت نیروگاه‌های هسته‌ای بوشهر-۲ و بوشهر-۳ است. روسیه همچنین در مورد همکاری در انرژی هسته‌ای با اردن (اگرچه لغو شده است) و عربستان سعودی گفتگو کرده است. ناتوانی روسیه برای تامین مالی ساخت نیروگاه‌های هسته‌ای، این کشور را به یک شریک جذاب تبدیل می‌کند (Zvjagel'skaja & Surkov, 2019: 15).

^۱. Qurna-2

^۲. Eridu

هر چند درگیری روسیه با اوکراین بخش قابل توجهی از توجه این کشور را به خود جلب نموده است، اما روسیه همچنان قدرت سنتی منطقه محسوب می‌شود و سعی می‌کند این بینش را تقویت کند. روسیه با قرار گرفتن در کنار چین جوان و قدرتمند، همچنان منافع سیاسی، نظامی و امنیتی خود را در منطقه حفظ و با رقابت مبتنی بر مشارکت متعادل با چین حضور خود را در این منطقه تثبیت نموده است.

۳. زمینه‌های همگرایی راهبردی چین و روسیه در خاورمیانه

چین و روسیه در خاورمیانه در یک رقابت فعال و متعادل قرار دارند، به این معنا که هیچ‌کدام سعی در دخالت و محدود کردن زمینه‌های فعالیت یکدیگر ندارند، بلکه هر کدام سعی می‌کنند علایق موردنظر خود را در راستای منافع و اهداف خود دنبال کنند. تا به امروز، هر دو کشور به دنبال روابط صمیمانه با همه کشورهای منطقه بوده‌اند. این مسئله می‌تواند در آینده، به هر یک از آنها این امکان را بدهد که منافع ایالات متحده را با ناکامی مواجه کرده و اهداف راهبردی آن را در سراسر منطقه تضعیف کنند. پکن و مسکو همچنین تلاش کرده‌اند تا روابط اقتصادی و نظامی خود را متنوع کنند، پکن وزن نسبتاً بیشتری بر روابط اقتصادی و نظامی خود می‌گذارد، درحالی‌که مسکو بر مورد نظامی تأکید دارد. این رویکرد مکمل، راه را برای همکاری بین دو کشور هموار کرده است. پکن با درک مزایای ادامه ایفای نقش ضامن امنیت منطقه‌ای ایالات متحده، به دنبال ارتقای ثبات برای به حداکثر رساندن منافع اقتصادی خود و حفاظت از سرمایه‌گذاری‌های خود در منطقه بوده است. اتکای مداوم چین به واردات نفت از خاورمیانه و سرمایه‌گذاری و سبب وام روبه‌رشد روزافزون نشان می‌دهد که پکن به گسترش نفوذ خود در منطقه ادامه خواهد داد. از سوی دیگر، روسیه با تأکید بر گزینه نظامی، به‌ویژه در سوریه، نفوذ خود را در منطقه افزایش داده است. کشورهای منطقه، به‌ویژه آنهایی که به دنبال تنوع‌بخشیدن به امنیت خود و ارسال پیام‌های ناخوشایند به ایالات متحده هستند، به دستاوردهای روسیه اشاره کرده و شروع به توسعه روابط نزدیک‌تر سیاسی، اقتصادی و امنیتی با مسکو کرده‌اند. در نهایت، بهبود روابط امنیتی روسیه با منطقه نشان می‌دهد که روسیه به دنبال نفوذ بلندمدت بر سیاست‌های منطقه است و فعالیت‌های نظامی را ابزاری برای دستیابی به این نفوذ می‌داند (Wasser et al, 2022: 66-75).

منافع ژئوپلیتیکی و امنیتی. چین و روسیه نگرانی‌های مشترکی دارند که آنها را به تقویت شراکت استراتژیک خود سوق داده است. هر دو کشور به دنبال مهار نفوذ آمریکا در

حوزه نفوذ خود هستند (Baev, 2019: 89-93). همچنین، آنها علاقه‌مند به همکاری برای مبارزه با تروریسم، جدایی‌طلبی و افراط‌گرایی هستند. براین اساس، مشارکت استراتژیک به آنها اجازه می‌دهد تا اقدامات خود را هماهنگ کرده و از تشدید رقابت منطقه‌ای اجتناب کنند (Scobell et al, 2014: 36).

جدول شماره ۴. شاخص‌های کلیدی اقتصادی همکاری روسیه و چین در خاورمیانه (۲۰۱۰-۲۰۲۵).

سال	حجم تجارت (میلیارد دلار)	جریان‌های ورودی (میلیارد دلار)	توافق‌نامه‌های انرژی (میلیارد دلار)	سرمایه‌گذاری‌های زیر ساختی (میلیارد دلار)
۲۰۱۰	۴۵	۱۲	۳۰۰	۸
۲۰۱۵	۶۸	۲۲	۴۵۰	۱۵
۲۰۲۰	۱۱۰	۴۵	۷۰۰	۳۰
۲۰۲۵	۱۵۰	۶۰	۹۵۰	۴۵

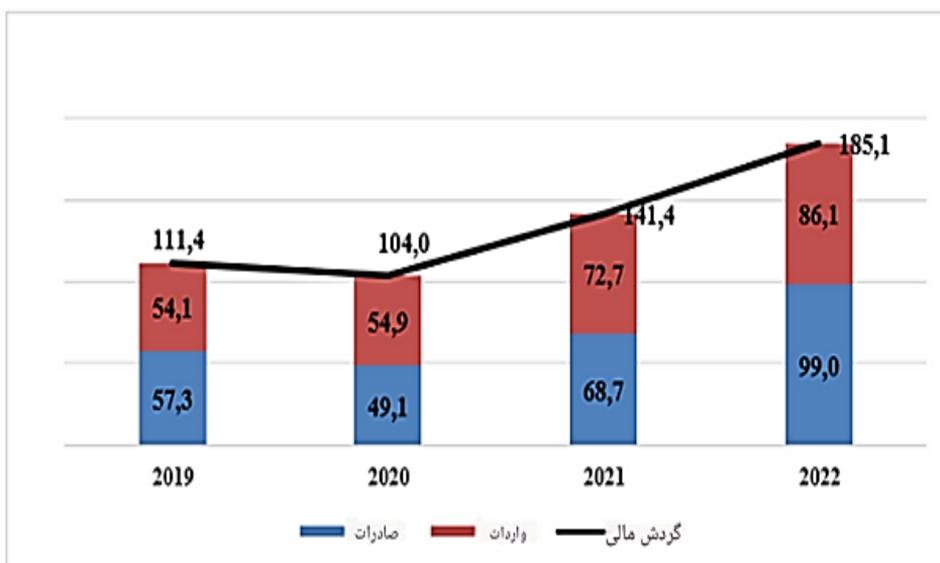
Singh & Kaur, 2025: 321

منافع اقتصادی مکمل. چین و روسیه یک همکاری استراتژیک مبتنی بر منافع مکمل ایجاد کرده‌اند. اول، در بخش انرژی، روسیه یک شریک کلیدی برای امنیت انرژی چین است. این کشور تأمین‌کننده اصلی نفت و گاز چین با خطوط لوله اصلی مانند نیروی سیبری است. چین یک خروجی مهم برای هیدروکربن‌های روسیه است، به‌ویژه در پی اقدامات غرب علیه مسکو (Paik, 2015: 4-7). دوم، دو کشور به دنبال توسعه ارتباطات تجاری خود از طریق پروژه‌های زیرساختی مانند طرح کمربند و جاده چین و کریدور اوراسیا روسیه هستند. اینها مسیرهای تجاری از طریق روسیه و آسیای مرکزی برای اتصال چین به اروپا هستند (SWANSTROM, 2014: 493-495). در نهایت، چین و روسیه در حال تقویت همکاری‌های مالی خود از طریق نهادهایی مانند بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیایی به رهبری پکن هستند. هدف آنها کاهش وابستگی به دلار آمریکا و مؤسسات مالی غربی مانند صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی است (Pantucci & Lain, 2017: 9-11).

چشم‌انداز ژئوپلیتیک چندقطبی مشترک. چین و روسیه فراتر از منافع دوجانبه خود، در دیدگاه خود از نظم جهانی چندقطبی که در آن نفوذ آنها در مواجهه با هژمونی غرب به رسمیت شناخته می‌شود، همگرا می‌شوند. هر دو کشور سلطه سیاسی و جهان‌شمولی

ارزش‌های مورد حمایت ایالات متحده و متحدانش را رد می‌کنند. آنها معتقدند هر کشوری باید در انتخاب نظام سیاسی و ارزش‌های خود آزاد باشد (Groitl, 2023: 11).

شکل شماره ۱. گردش مالی تجاری بین روسیه و چین در سال‌های (۲۰۱۹-۲۰۲۲).



Source: Zaikov et al, 2024: 19

آنها همچنین با استفاده از زور و مداخله نظامی برای دفاع از این اصول، مانند عراق یا لیبی مخالفاند. چین و روسیه از حاکمیت دولت و حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات حمایت می‌کنند. در سطح نهادی، آنها خواستار اصلاح سازمان ملل و نهادهای برتون وودز^۱ هستند تا وزن قدرت‌های نوظهور مانند چین را بهتر منعکس کنند و به کشورهای در حال توسعه صدای بیشتری بدهند. از این رو، مشارکت راهبردی چین و روسیه باهدف ایجاد قطبی از نفوذ که قادر باشد به نام چندقطبی بودن، غرب را در صحنه بین‌المللی موازنه کند. این منعکس‌کننده همگرایی گسترده‌تری از دیدگاه‌ها در مورد نظم جهانی مطلوب است (Alberto & Bandeira, 2019: 99-125).

ارزیابی تعاملات دو کشور در حوزه‌های دیپلماتیک، اقتصادی و نظامی نتایج زیر را ارائه

می‌دهد:

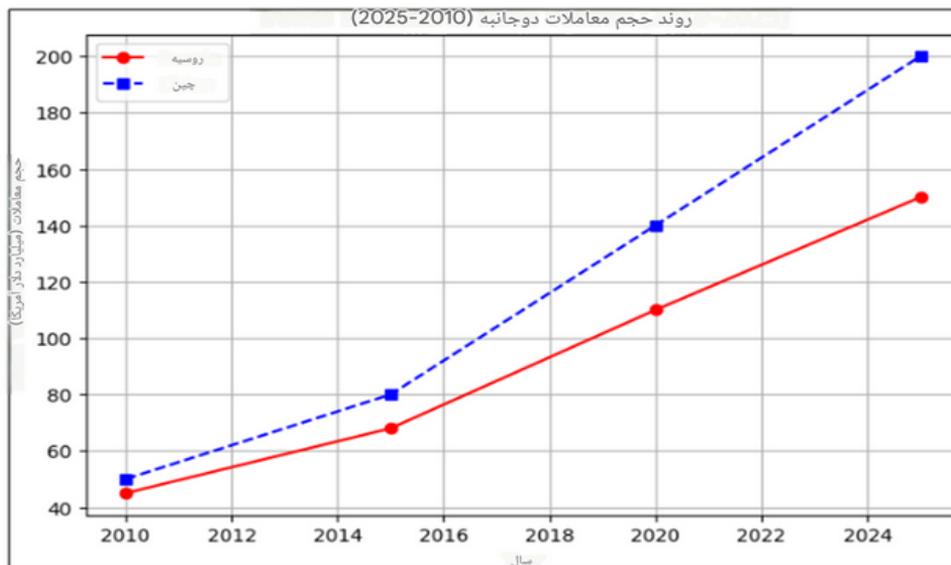
^۱. Bretton Woods

تعامل دیپلماتیک. هر دو کشور از نظر دیپلماتیک نقش فعالی در منطقه ایفا می کنند که در بازدیدهای رهبران آنها منعکس است. در پنج سال اول دهه از ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۸، فعالیت های دیپلماتیک دو کشور تقریباً نزدیک بود. اما در نیمه دوم، تعامل روسیه تسریع شد و اهمیت روزافزون خاورمیانه برای اهداف استراتژیک روسیه را نشان داد.

تعامل اقتصادی. با نگاهی به تعامل اقتصادی چین و روسیه در خاورمیانه به طرز چشمگیری نشان دهنده تأکید چین بر تعامل اقتصادی منطقه ای است. تجارت کالاهای چین با خاورمیانه در طول دهه ۲۰۰۹-۲۰۱۸ به طور متوسط هفت برابر تجارت روسیه بوده است. بیشتر نوسانات در تجارت چین ناشی از قیمت نفت بوده است زیرا خاورمیانه یکی از تامین کنندگان اصلی نفت چین است. صادرات چین به طور متوسط بیش از چهار برابر ارزش صادرات روسیه در این مدت بوده است.

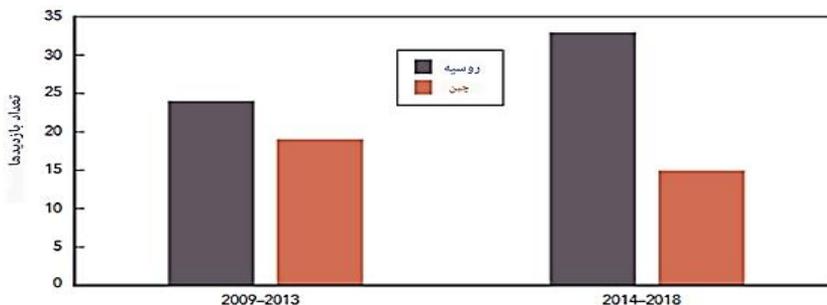
تعامل نظامی. روسیه حتی قبل از مداخله نظامی خود در سوریه در سال ۲۰۱۴ بسیار بیشتر از چین در حوزه نظامی فعال بوده است. فروش تسلیحات یکی از این شاخص ها را ارائه می دهد. در طول این دهه، فروش روسیه به این منطقه به طور متوسط تقریباً ۱۲ برابر فروش چین بود (Wasser et al, 2022: 22-23).

شکل شماره ۲. روند حجم تجارت دوجانبه بین روسیه، چین و کشورهای خاورمیانه (۲۰۱۰-۲۰۲۵).



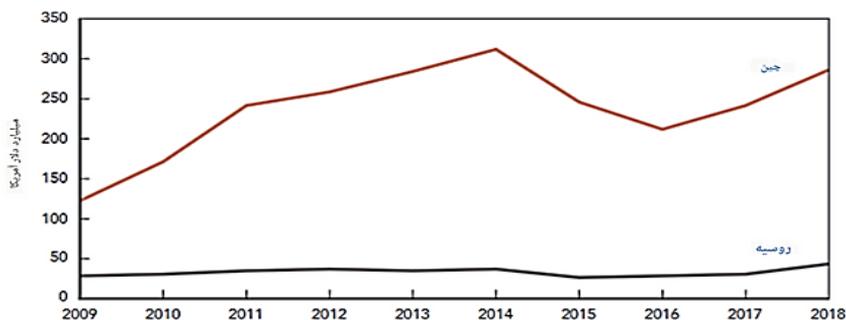
Source: Zaikov et al, 2024: 322

شکل شماره ۳. دیدار رهبران ارشد چین و روسیه از خاورمیانه، ۲۰۰۹-۲۰۱۸



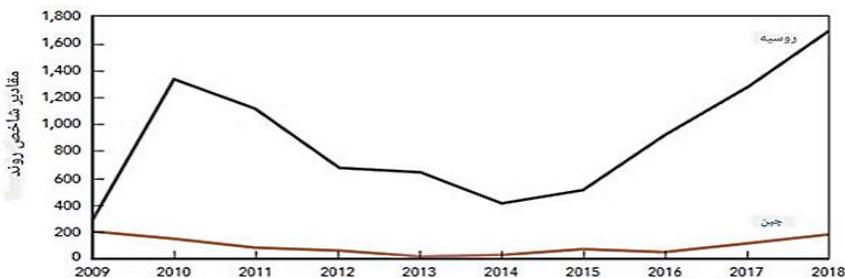
منبع: اطلاعات مربوط به سفرهای مقامات چینی و روسی به کشورهای خاورمیانه از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۸ از طریق جستجوهای گوگل در وبسایت‌های دولتی در چین و روسیه، منابع رسانه‌های بین‌المللی، منابع رسانه‌ای در روسیه و چین، منابع رسانه‌های محلی در خاورمیانه، وبسایت‌های مجلات سیاست خارجی، وبسایت‌های اندیشکده‌ها و موارد دیگر جمع‌آوری شده است. توجه: منظور از رهبران ارشد، رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه است

شکل شماره ۴. تجارت کالاهای چین و روسیه با خاورمیانه، ۲۰۰۹-۲۰۱۸



منبع: پایگاه داده تجارت سازمان ملل متحد، بدون تاریخ. داده‌ها در چندین تاریخ بین اکتبر ۲۰۱۹ و سپتامبر ۲۰۲۰ بازبینی شده‌اند. یادداشت‌ها: شکل، مجموع واردات و صادرات کالا بین روسیه و خاورمیانه و بین چین و خاورمیانه را نشان می‌دهد

شکل شماره ۵. انتقال تسلیحات چین و روسیه به خاورمیانه، ۲۰۰۹-۲۰۱۸



منبع: موسسه تحقیقات صلح بین‌المللی استکهلم، پایگاه داده انتقال تسلیحات SIPRI، 11 مارس ۲۰۱۹ یادداشت‌ها: مقدار شاخص روند، معیاری از هزینه‌های تولید است و به معنای نشان دادن انتقال منابع نظامی به جای قیمت فروش آن منابع است. داده‌ها همان چیزی هستند که SIPRI سلاح‌های اصلی می‌نامد: هواپیما، سیستم‌های دفاع هوایی، سلاح‌های جنگی ضد زیردریایی، خودروهای زرهی، توپخانه، موتورهای، موشک‌ها، حسگرها، ماهواره‌ها، کشتی‌ها، برچک‌ها برای خودروهای زرهی و کشتی‌های منتخب و سیستم‌های سوخت‌گیری هوایی مورد استفاده در هواپیماهای تاکتی.

همکاری و تعامل چین و روسیه در خاورمیانه تقسیم کار متعادل آنها را نشان می‌دهد. در اینجا بر اساس تعادل نش، روسیه به دلیل منافع سنتی خود در حوزه‌های سیاسی، امنیتی و نظامی فعال است و چین در حوزه اقتصادی و دیپلماتیک به دنبال منافع خود است. چین سعی می‌کند سرمایه‌گذاری و امنیت انرژی خود را تأمین کند و روسیه هم به دنبال منافع سیاسی و امنیتی خودش است. همچنین، هر دو از نفوذ فزاینده آمریکا در منطقه دارای نگرانی مشترک هستند؛ بنابراین در این بازی حرکت بهینه هر کدام از آنها به دیگری بستگی دارد تا حداکثر سود را برایشان به ارمغان آورد. نتیجه تعادلی این بازی عدم مداخله در امور و منافع یکدیگر است. دخالت هر کدام در امور یکدیگر موجب کاهش سود آنها خواهد شد. مثلاً عدم مداخله چین در امور نظامی و امنیتی موجب عدم مداخله روسیه در امور اقتصادی، انرژی و دیپلماتیک خواهد شد و در نتیجه سود بیشتری را نصیب هر کدام از آنها می‌کند. در واقع عدم مداخله هر کدام، تثبیت منافع آنها را در پی دارد.

۴. چالش‌ها و محدودیت‌های مشارکت چین و روسیه

تعمیق مشارکت چین و روسیه به دلیل بی‌اعتمادی، منافع متفاوت و عدم توازن قدرت اقتصادی و ژئوپلیتیکی با چالش‌هایی مواجه است که می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

نظام چندقطبی، حکومت جهانی و نظام بین‌المللی. حرکت‌های اخیر سیاست خارجی روسیه، جاه‌طلبی بیشتر برای براندازی نظم لیبرال کنونی را برجسته می‌کند که آن را تهدیدی مستقیم برای منافع و امنیت خود می‌داند. دیدگاه روسیه نسبت به چندقطبی بودن معتقد است که سیستم بین‌المللی تحت سلطه غرب و پس از جنگ سرد، منافع امنیتی خود را در همسایگی نزدیک خود به حاشیه برده و آنچه را که به‌عنوان یک قدرت بزرگ نقش برحق خود می‌داند، سرکوب کرده است. برای روسیه، نظم چندقطبی به معنای یک سیستم بین‌المللی است که در آن قدرت بین بازیگران تأثیرگذار جهانی با نقش کاهش یافته برای ایالات متحده و ارزش‌های لیبرالی که ظاهراً بر سایر کشورها تحمیل کرده است، متعادل می‌شود (MFA Russia, 2016). برخلاف روسیه، دیدگاه پکن از نظم جهانی چندقطبی لزوماً برچیدن رادیکال نظام بین‌المللی کنونی نیست. در عوض، چین به دنبال اصلاح نظام حکمرانی جهانی است تا نقش و نفوذ خود را افزایش دهد تا با قدرت و اندازه اقتصادی روبه‌رشد خود مطابقت داشته باشد. چین خواهان افزایش نمایندگی نهادهای

جهانی موجود با ارائه صدای قوی تری به کشورهای در حال است تا بتوانند با سهولت بیشتری منافع خود را در مقیاس جهانی دنبال کنند (Feigenbaum, 2016).

منافع متفاوت در برخی مناطق. شراکت چین و روسیه که در سال‌های اخیر در مواجهه با تنش با غرب به طور قابل توجهی تقویت شده، پیچیده بوده و برخی از منافع متفاوت را در پی دارد. دو کشور در مورد برخی مسائل حساس در خاورمیانه اختلاف نظر دارند. چین موضع خنثی تری در قبال مناقشه رژیم صهیونیستی و فلسطین اتخاذ می‌کند و روابط خوبی با عربستان سعودی، رقیب اصلی منطقه‌ای ایران و شریک کلیدی مسکو حفظ می‌کند (Bekkevold, 2019: 149-150). از نظر نظامی نیز دیدگاه روسیه نسبت به توسعه سریع توانایی‌های چین محتاط است. اگرچه دو کشور درک خود را در مورد این موضوع به‌ویژه از طریق مانورهای نظامی مشترک نشان می‌دهند، مسکو همچنان در مورد افزایش شریک خود محتاط است (ALEXEEVA & LASSERRE, 2018: 270-272).

رقابت‌های بالقوه درازمدت بین دو قدرت. از لحاظ تاریخی، چین و روسیه روابط پرتلاطمی داشته‌اند. پس از یک اتحاد کوتاه کمونیستی در دهه ۱۹۵۰، دو کشور در طول جنگ سرد به رقیب یکدیگر تبدیل شدند. چین از نفوذ شوروی در آسیا می‌ترسید، در حالی که روسیه چین را تهدیدی برای رهبری کمونیستی خود می‌دانست. این بی‌اعتمادی متقابل منجر به درگیری‌های مرزی در دهه ۱۹۶۰ شد. اگرچه روابط از آن زمان بهبود یافته است، اما این میراث تاریخی اثر خود را بر جای گذاشته است. برخی از تحلیلگران بر این باورند که خاطره این تنش‌های گذشته در صورت اختلاف مجدد منافع دو کشور می‌تواند دوباره زنده شود (Bolt & Cross, 2010: 194-198).

جاه‌طلبی برای ابرقدرتی. چین و روسیه جاه‌طلبی برای موقعیت ابرقدرت جهانی دارند. با این حال، در بلندمدت، توازن فعلی چین در پذیرش رهبری روسیه بعید است که دوام بیاورد. با رشد اقتصاد و نفوذ بین‌المللی چین، این کشور می‌تواند نقش مسلطی را که روسیه به دنبال ایفای آن در امور جهانی است به چالش بکشد. این دینامیک قدرت در حال تغییر می‌تواند منبع اصلی تنش باشد (Kaczmarek, 2015: 35-38).

اختلافات ایدئولوژیکی. اگرچه چین و روسیه در حال حاضر تمایل مشترکی برای مقابله با هژمونی غربی دارند، اما سیستم‌ها و ایدئولوژی‌های سیاسی آنها بسیار متفاوت است. ناسیونالیسم روسی در دوران پوتین در تضاد با رویکرد تندتر چین است. اگر روسیه به یک

لیبرال دموکراسی تبدیل شود، می‌تواند شکاف ایدئولوژیک را با چین بیشتر کند. اختلاف در موضوعاتی مانند حقوق بشر می‌تواند روابط فعلی را تضعیف کند (Lo, 2020: 313-314).

رقابت انرژی. چین و روسیه هر دو به صادرات انرژی وابسته هستند. اما با افزایش تقاضای چین، تولید روسیه در حال کاهش است. این می‌تواند منجر به تنش شود؛ زیرا چین به دنبال تضمین دسترسی به منابع روسیه است (Benzat, 2024: 97).

در مجموع، علی‌رغم مشارکت فعلی آنها، خطوط گسل عمیقی بین چین و روسیه وجود دارد. منافع متفاوت آنها، عدم تقارن فزاینده قدرت و اختلافات ایدئولوژیک می‌تواند به تنش‌های طولانی‌مدت منجر شود. با این حال، رقابت واقعی بستگی به نحوه مدیریت هر طرف این پویایی‌ها دارد. دیپلماسی محتاطانه می‌تواند از تبدیل تنش‌های اساسی به درگیری آشکار جلوگیری کند. اما اگر این مسائل به دقت مدیریت نشود، می‌تواند آغازگر دوره جدیدی از رقابت استراتژیک بین چین و روسیه باشد (Kaczmarek M, 2017: 1361-1365).

چین و روسیه آرام و به‌دوراز هیاهو خاورمیانه را به صحنه رقابت استراتژیک خود تبدیل کرده‌اند و سعی نموده‌اند که از چالش‌های غیرضروری که عدم رویارویی مستقیم با آمریکا مهم‌ترین آنها است خودداری کنند. البته آینده صحنه بازی را روشن خواهد کرد که رقابت موجود میان دو قدرت به خصوص در حوزه‌های سیاسی و نظامی به بحران و درگیری ختم خواهد شد یا خیر؟ اشتباهات آمریکا در عراق و افغانستان درس‌های ارزشمندی را به آنها ارائه می‌دهد.

نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر پاسخ به پرسش راهبرد چین و روسیه در خاورمیانه با تکیه بر نظریه بازی بود. برای درک راهبرد این دو قدرت بزرگ جهانی، به جستجوی مطلوبیت‌های آنها در خاورمیانه به‌عنوان یک منطقه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک جهانی پرداختیم. روسیه با تکیه بر راهبرد نظامی و امنیتی و چین با تکیه بر راهبرد منافع اقتصادی در این منطقه حضور پررنگی دارند. در عین حال هر دو قدرت دارای یک هدف مشترک هستند و آن محدود کردن نفوذ ایالات متحده در خاورمیانه است. از سوی دیگر تداوم حضور کنترل‌شده آمریکا در منطقه ضمانت امنیتی را در اختیار هر دو قدرت قرار می‌دهد تا در سایه ثبات حاصل از آن به دنبال اهداف نظامی، امنیتی و اقتصادی خود باشند. همچنین چین و روسیه آموخته‌اند که رقابت با آمریکا نیاز به کار خاصی ندارد، بلکه اغلب، به‌جای تلاش هدفمند برای جابه‌جایی و جایگزینی ایالات متحده، صرفاً فعال‌بودن در منطقه کافی است. نتایج این

پژوهش نشان می‌دهد که همپوشانی اندکی بین منافع چین و روسیه در خاورمیانه وجود دارد. رویکرد چین در منطقه بر کسب هر چه بیشتر منافع اقتصادی از طریق گسترش سرمایه‌گذاری در امور زیر ساختی کشورهای منطقه، بخش انرژی، توسعه فناوری‌های دیجیتال و به‌خصوص طرح مهم یک کمربند - یک راه است. از سوی دیگر روسیه به دنبال فروش تسلیحات نظامی به کشورهای متحد خویش است و در صورت لزوم در امور دفاعی و امنیتی منطقه نیز دخالت می‌کند تا ضمن توسعه نفوذ منافع خود را تأمین نماید. همگرایی چین و روسیه در خاورمیانه به‌مثابه راهبردی برای حفظ تعادل و محدود کردن هژمونی آمریکا عمل کرده است. منافع مشترک آنها در حوزه‌های پیش‌گفته و تأکید برای جهان چندقطبی می‌تواند محدودکننده نفوذ سنتی آمریکا در منطقه باشد. هر چند آنها برای حضور در خاورمیانه رقابت دارند؛ اما هیچ‌کدام به دنبال محدود کردن یکدیگر نیستند؛ بلکه به دنبال مشخص کردن مرزها و خطوط همکاری و برقرار تعادل استراتژیک هستند. از سوی دیگر این رقابت و همکاری به شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی و راهبردهای دیگر بازیگران از جمله آمریکا بستگی دارد؛ بنابراین، راهبرد چین و روسیه مکمل یکدیگر بوده که هر دو اهداف خود را دنبال می‌کنند و منفعت ثانویه حاصل از آن محدود کردن نفوذ ایالات متحده در منطقه است. این راهبرد دوجانبه و مکمل به هر دو قدرت اجازه می‌دهد تا منافع بیشتری را از خاورمیانه کسب کنند، به این معنا که بدون رقابت فعال دیگری در منطقه سطح و میزان موفقیت طرف مقابل کمتر خواهد بود. البته این بدان معنا نیست که چین و روسیه در آینده پتانسیلی برای رقابت در خاورمیانه نخواهند داشت، بلکه حوزه‌های خاصی وجود دارد که می‌تواند پویایی رقابتی را بین دو کشور فعال کند. به‌ویژه در بازار فروش تسلیحات (مثل سیستم‌های بدون سرنشین)، قراردادهای زیرساختی، قراردادهای انرژی هسته‌ای، هیدروکربن‌ها و منابع معدنی کمیاب. هر چند در این مقاله از نظریه بازی برای تبیین راهبرد چین و روسیه در خاورمیانه استفاده شده است، اما این نظریه خالی از اشکال نیست و در جهان پیچیده امروزی که همه بازیگران با محدودیت‌های متنوعی برای تصمیم‌گیری و اجرا روبرو هستند می‌تواند نتایج متفاوتی را در برداشته باشد. از این رو پیشنهادهایی برای تصمیم‌سازان حوزه سیاست خارجی کشور ارائه می‌شود:

۱. با توجه به قراردادهای طولانی مدت بین ایران با چین و روسیه، پیشنهاد می‌شود با اجرایی نمودن این قراردادها بخشی از تحریم‌های غرب در حوزه‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری را خنثی نماید. مشارکت در پروژه‌های مهم حمل و نقل مانند کریدور شمال-

لاتین

- Afterman, G. (2021). China's Evolving Approach To The Middle East: A Decade Of Change. **Institute for National Security**, 24(1).
- Afterman, G., & Urhová, D. (2024). Between the Superpowers: Gulf States and Israel Navigate the New Mideast Dynamics. **Middle East Policy**, 31(1), 133-148.
- Alberto, L., & Bandeira, M. (2019). *TheWorldDisorder : USHegemony,ProxyWars,TerrorismandHumanitarianCatastrophes*. Cham, Switzerland: Springer.
- Alexeeva, O., & Lasserre, F. (2018). An analysis on Sino Russian cooperation in the Arctic in the BRI era. **Advances in Polar Science**, 29(4), 269-282.
- Alterman, J. B. (2017). Other side of the World: China, the United States, and the Struggle for Middle East Security. Center for Strategic and International Studies, March 4, 2017, p. 13.
- Altin, H. (2022). A genuine blend of statecrafts: China's smart power strategy in the MENA region. **World Affairs**, 185(3), 557-586.
- Baev, P. K. (2019). The Russian-Chinese entente and its geopolitical underpinning. **China quarterly of international strategic studies**, 5, pp. 87-102.
- Bahgat, G. (2021). Russia and the Middle East: Opportunities and Challenges. **Russia's Global Reach: A Security and Statecraft**, 44.
- Bekkevold, J. I. (2019). China, Russia and the great power contest in the Middle East. *Sino-Russian relations in the 21st century*, 141-166.
- Benzat, M. S. (2024). Geopolitical implications of the Russian Chinese relations within the multipolar international system. *المجلة الجزائرية للأبحاث والدراسات*, 7(1), 88-99.
- Blaubach, T. (2021, March 23). Chinese technology in the Middle East: A threat to sovereignty or an economic opportunity? The Middle East Institute. <https://mei.edu/publications/chinese-technology-middle-east-threat-sovereignty-or-economic-opportunity>
- Bolt, P. J., & Cross, S. N. (2010). The contemporary Sino-Russian strategic partnership: challenges and opportunities for the twenty-first century. **Asian Security**, 6(3), 191-213.
- Bossaerts, P., & Murawski, C. (2017). Computational complexity and human decision-making. **Trends in cognitive sciences**, 21(12), 917-929.
- Calabrese, J. (2022, October 19). China's digital inroads into the Middle East. East Asia Forum. <https://www.eastasiaforum.org/2022/10/19/chinas-digital-inroads-into-the-middle-east/>
- Chaziza, M. (2024). The US-China Rivalry in the Middle East: Confrontation or Competitive Coexistence. **Contemporary Review of the Middle East**, 23477989241240899.
- Dawkins, R., Neale, W., & Firstenberg, P. (2003), "Game Theory and Business Strategy", **Business Strategy Review**, Vol. 14, No. 1, 11-19.
- Dorell, O. (2014). Russia Offers Egypt No-Strings-Attached Arms Deal. **USA Today**.
- Düben, B. A. (2024). How Institution-Building Shapes Great Power Alignment: An Institutional Perspective on the China-Russia Partnership. **The Chinese Journal of International Politics**, 17(1), 75-103.
- Eslami, M., & Papageorgiou, M. (2023). China's Increasing Role in the Middle East: Implications for Regional and International Dynamics. **Georgetown Journal of**

- International Affairs**, 2. <https://gjia.georgetown.edu/2023/06/02/chinas-increasing-role-in-the-middle-east-implications-for-regional-and-international-dynamics/>
- Fang, F., Liu, S., Basak, A., Zhu, Q., Kiekintveld, C. D., & Kamhoua, C. A. (2021). Introduction to Game Theory. **Game Theory and Machine Learning for Cyber Security**, 21-46.
- Fatmawati, F. (2020). Perubahan Politik Luar Negeri Rusia Terhadap Suriah Dalam Konflik Internal Suutiah (2011–2017). **JDP (Jurnal Dinamika Pemerintah)**, 3(1), 23-41.
- Feigenbaum, E. A. (2016). China and the World. **Foreign Affairs**, 12. [https://www.foreignaffairs.com/articles/china/2016-12-12/china-and-world; Shambaugh, "China and the Liberal World Order."](https://www.foreignaffairs.com/articles/china/2016-12-12/china-and-world;Shambaugh,)
- Forough, M. (2021). **In Between the US and China**. Center for Iranian Studies in Ankara. https://pure.gigahamburg.de/ws/files/28650776/Dr._M._Forough_Iran_between_the_US_and_China_Policy_Paper_IRAM.pdf
- Freedman, R. O. (2001). Russian policy toward the Middle East: The Yeltsin legacy and the Putin challenge. **The Middle East Journal**, 58-90.
- Fulton, J. (2019). China's challenge to US dominance in the Middle East. https://ecfr.eu/wp-content/uploads/china_great_game_middle_east.pdf
- Ghiselli, A. (2024). An opportunistic Russia in the Middle East, a view from China. **Cambridge Review of International Affairs**, 37(2), 163-181.
- Gihoni, O. V., & Nugrahani, H. S. D.(2024) Russia's Strategy on Strengthening Its Cooperations with the Middle East Countries after Russia-Ukraine War in 2022. **Journal Of Middle East and Islamic Studies**, 11(1), 4.
- Goldstein, A. (2005). **Rising to the Challenge: China's Grand Strategy and International Security**. Stanford University Press.
- Groitzl, G. (2023). **Russia, China and the Revisionist Assault on the Western Liberal International Order**. Palgrave Macmillan.
- Haryanda, T. (2018). **Kepentingan Kerjasama Energi Nuklir Rusia Di Timur Tengah Periode 2015-2017** (Bachelor's thesis, Jakarta: Fakultas Ilmu Sosial Dan Ilmu Politik UIN Syarif Hidayatullah).Repository:uin.jkt.ac.id. <https://repository.uinjkt.ac.id/dspace/handle/123456789/43604?mode=full>
- Ho, T. H., Ching, W. K., & Tse, C. K, (1998), "A Game Theory Approach to Decision Support for Competitive Supply Chains", **European Journal of Operational Research**, Vol. 111, No. 2, 229-243.
- Interesse, G. (2022). China and the GCC: Bilateral Trade and Economic Engagement. **China Briefing**, August, 25. <https://www.china-briefing.com/news/china-and-the-gcc-bilateral-trade-and-economic-engagement>.
- John, O. B. (2023). China takes centre stage in Middle East diplomacy. <https://eastasiaforum.org/2023/04/11/china-takes-centre-stage-in-middle-east-diplomacy/>
- Kaczmarek, M. (2015). The Bear Watches The Dragon: The Russian Debate On China In The 21st Century. **Journal Of Slavic Military Studies**, 28.
- Kaczmarek, M. (2017). Non-western visions of regionalism: China's New Silk Road and Russia's Eurasian economic Union. **International Affairs**, 93(6), 1357-1376.
- Kozhanov, N. (2017). Russian Foreign Policy in the Middle East: New Challenge for Western Interests. **The Russia File: Russia and the West in an Unordered World**, 101-125.

- Laryš, M., & Svoboda, K. (2024). Delegation of Economic Statecraft to Private Enterprises: Russia, China, and Turkey in Africa. *International Studies Review*, 26(1), viae009.
- Leyton-Brown, K., & Shoham, Y. (2022). **Essentials of Game Theory: A Concise Multidisciplinary Introduction**. Springer Nature.
- Liang, X., & Xiao, Y. (2012). Game theory for network security. *IEEE Communications Surveys & Tutorials*, 15(1), 472-486.
- Lo, B. (2020). The Sino-Russian partnership and global order. *China International Strategy Review*, 2(2), 306-324.
- Lons, C. (2019). "China's great game in the Middle East". https://ecfr.eu/publication/china_great_game_middle_east/
- McCarthy, K. (2023). "House Speaker McCarthy Addresses Israeli Knesset," <https://www.c-span.org/program/international-telecasts/house-speaker-mccarthy-addresses-israeli-knesset/627274>
- Ministry of Foreign Affairs of the Russian Federation (MFA Russia). (2016). Foreign policy concept of the Russian Federation.
- Mubarok, M. F. (2020). **Kebijakan Luar Negeri Rusia Terhadap Penyelesaian Konflik Suriah Melalui Strategi Regional Moskow** (Bachelor's thesis, Fakultas Ilmu Sosial dan Ilmu Politik Universitas Islam Negeri Syarif Hidayatullah Jakarta).
- Nash Jr, J. F. (1950). Equilibrium points in n-person games. *Proceedings of the national academy of sciences*, 36(1), 48-49.
- Nie, P. Y., & Yang, Y. C. (2023). Innovation and competition with human capital input. *Managerial and Decision Economics*, 44(3), 1779-1785.
- Oliker, O., Crane, K., Schwartz, L. H., & Yusupov, C. (2009). **Russian foreign policy: sources and implications**. Rand Corporation. Santa Monica, Calif.: RAND Corporation, MG-768-AF, 2009, pp. 113–114.
- Osborne, M. J., & Rubinstein, A. (1994). *A Course in Game Theory*, MIT Press, Cambridge, MA, <https://mitpress.mit.edu/9780262650403/a-course-in-game-theory>.
- Özcan, İ., Śledziński, J. D., Gök, S. Z. A., Meca, A., Weber, G. W., Butlewski, M., & Kocadag, E. (2024). A game theory perspective on strategic profit distribution in complex it projects. *Journal of Industrial and Management Optimization*, 0-0.
- Paik, K. W. (2015). Sino-Russian gas and oil cooperation: entering into a new era of strategic partnership? (No. 59). OIES Paper: WPM.
- Pandey, V. K., & Chermack, T. J. (2008). Game theory and strategic human resource development. *Advances in developing human resources*, 10(6), 834-847.
- Pantucci, R., & Lain, S. (2017). **China's Eurasian pivot: The silk road economic belt**. Routledge.
- Rapoport, A., & Chammah, A. M. (1966), "The Game of Chicken", *The American Behavioral Scientist*, Vol. 10, No. 3, 10-14.
- Putri, C. A. M., ARIANTO, P. I. A. R., & IP, S. (2022). **Stright Rusia Dalam Kontra-Terorisme De Kaukasus Utara Pada Periode Pemerintahan Vladimir Putin** (Doctoral Dissertation, Universitas Pembangunan Nasional Veteran Jakarta). <https://repository.upnvj.ac.id/16141/6/AWAL.pdf>
- Qian, X., & Fulton, J. (2017). China-Gulf economic relationship under the "Belt and Road" Initiative. *Asian Journal of Middle Eastern and Islamic Studies*, 11(3), 12-21.

- Scobell, A., Ratner, E., & Beckley, M. (2014). **China's Strategy Toward South and Central Asia: An Empty Fortress**. RAND Corporation , Santa Monica, California.
- Shichor, Y. (2024). Fluid Triangle: Shifting Cold War Alliances between Beijing, Moscow, and Washington in the Middle East. In **East-West Asia Relations in the 21st Century** (pp. 17-28). Routledge.
- Siddi, M., & Kaczmarek, M. (2019). Russia and China in the Middle East: Playing their best cards. **FIIA Briefing Paper**, 275.
https://www.researchgate.net/publication/337330835_Russia_and_China_in_the_Middle_East_Playing_their_best_cards
- Sinatrya, H. A., & Yuniasih, T. (2018). Strategi Rusia dalam Mengamankan Kepentingan Energi di Kawasan Asia Tengah Pada Tahun 2012-2016. **Balcony**, 2(1), 91-101.
- Singh, U., & Kaur, A. (2025). Russia-China Cooperation in the Middle East: Strategic Alliances and Economic Influence in a Multipolar World. **Journal of Informatics Education and Research**, 5 (2).
- Stepanova, E. (2018). Russia and conflicts in the Middle East: Regionalisation and implications for the West. **The International Spectator**, 53(4), 35-57.
- Sun, D. (2019). China's approach to the Middle East: Development before Democracy.
https://ecfr.eu/wp-content/uploads/china_great_game_middle_east.pdf
- Swanström, N. (2014). Sino-Russian relations at the start of the new millennium in Central Asia and beyond. **Journal of Contemporary China**, 23(87), 480-497.
- Wasser, B., Shatz, H. J., Drennan, J. J., Scobell, A., Carlson, B. G., & Crane, Y. K. (2022). **Crossroads of Competition: China, Russia, and the United States in the Middle East**. ETH Zurich.
- Welzel, A., Wohlrab, R., & Mohamad, M. (2024, July). Increasing the Confidence in Security Assurance Cases using Game Theory. In **Proceedings of the 19th International Conference on Availability, Reliability and Security** (pp. 1-13).
- Widian, R., DR, M. R., & Widian, W. (2018). Pembentukan Aliansi Keamanan Iran-Rusia. **Jurnal Ilmiah Hubungan Internasional**, 14(1), 125.
- Wu, B. (2023). China and New Middle East. In *Geopolitics of the New Middle East* (pp. 47-61). Routledge.
- Xie, K. (2022). Why is Saudi Arabia Looking to China to Buy Weapons After Years of Arms Deals with the US. **South China Morning Post**, 8,
<https://www.scmp.com/news/china/diplomacy/article/3202245/why-saudi-rabia-looking-china-buy-weapons-after-years-arms-deals-us>.
- Zaikov, K. S., Spiridonov, A. A., & Fadeev, A. M. (2024). Cooperation between Russia and China in the Arctic Energy Sector: A Strategic Perspective. **Social and Economic Development**, (54), 18-30.
- Zvjagel'skaja, I. D., & Surkov, N. Y. (2019). Russian Policy in the Middle East: Dividends and Costs of the Big Game. NPMP RIAC